

نایب رئیس - آقای زعیم مخالفید با این پیشنهاد؟
زعیم - بنده عرضی ندارم.
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کفایت.
رأی بگیری.
مدرس - این مسئله سابقه ندارد.
ولی البته باید سعی کرد که زودتر این راپورت داده شود.
رأی لازم ندارد.
نایب رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)
مشار اعظم - بنده گمان میکنم که آقایان يك اشتباهی کرده باشند و آن این است که بنده نمیدانم چطور میشود يك کمیسیون را الزام کرد که در ظرف ده روز این کار بکنند بنده که عضو این کمیسیون هستم نمیدانم این چه الزامی است که باید الی ده روز این راپورت داده شود فرضاً اگر من در ظرف ده روز موفق بنقدیم راپورت نشدم چه باید بکنم؟
باید عین همین راپورت داده شود
بعلاوه این پیشنهادی که شد پیشنهاد خروج از دستور بود و این حق همه نمایندگان است و هر نماینده میتواند این پیشنهاد را بکند که يك لایحه از دستور خارج بشود منتهی باید نظریاتی یعنی بروند و در کمیسیون مالبه بنشینند صحبت کنند و مطالعه کنند بعد راپورت بدهند حالا الزام کردن يك کمیسیون که جمعاً ظرف ده روز راپورت بدهند بنده این را نمیفهمم!
مگر اینکه بفرمایند ابتدا لازم نیست که این لایحه بکمیسیون قوانین مالبه برود و باید در خود مجلس در آن مذاکره کنند والا تکلیف شاق از طرف نماینده بنمایند دیگر هیچ معنی ندارد
نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه بعضی از آقایان عوض این که اهمیت بانتظامات داخلی مجلس بدهند مخصوصاً بیرون بیرون
برای این که مجلس را از اکثریت بیندازند و ففقت دارند از این که این عمل متقابل ممکن است فردا نسبت به خودشان بشود.
دیگر این که باند از مذاکرات طولانی امروز هم نسبت به تعیین دستور جلسه ما متنه شده باشیم و معتقد باشیم باین که دستور جلسه آتی را در همین جلسه معین کنیم بعد مجلس را از اکثریت بیندازند والا جلسه آتی بفرود است دو ساعت باید حرف بزنیم که چه چیز جزو دستور بشود حالا بنده کار ندارم شاید کرسنکی باعث شده است که بیرون بروند.
آقایان میفرمایند سابقه ندارد.
بنده عرض میکنم خیلی چیز هادر دنیا

هست که سابقه ندارد و اگر بنا باشد بدم سابقه مستمسک شوند بنده هزارویک مورد از مسائل دینی و عرفی و سیاسی برای شما مثال میزنم که هیچ سابقه نداشته بنده عرض میکنم منعی که چیز است؟ نظام نامه در کجا منع کرده؟
يك و کیلی هم اجبار نمیکند بدهند
را. پیشنهادی متجاوز از ۳۰ نفر از آقایان امضاء کرده اند و بالاخره اکثریت مجلس حاکم است.
اگر بنا شد الزاماتی در بین نباشد اصلاً نظام نامه داخلی مجلس معنی ندارد نظام نامه داخلی مجلس را اکثریت مجلس تصویب کرده است و این جاتحمیل يك و کیل بر و کیل دیگر نیست.
این جا رأی اکثریت حاکم است.
در همین مجلس نسبت بااختیارات کمیسیون عدلیه رأی داده شد که یکمندی را معین کنند که در آن مدت سایر نمایندگان نظریات خودشان را راجع بلوایح عدلیه بگویند این هم سابقه نداشته است.
بنده عقیده دارم که باین ترتیب و باین شکل آمدن لوایح بمجلس و بیرون رفتن صورت خوشی ندارد.
قضایا را نباید از صورت خودش خارج کرد و بالاخره اختیار رأی آخری را که نفی یا اثبات است از دست کسی نگرفته اند رأی قاطع رأی آخری است پس بنا بر این برگرداندن و این طرف و آن طرف بردن يك لایحه خوب نیست این ها سوء تأثیر میکند.
بنابر این راهی که به نظر من آمده این است که بگوئیم کمیسیون قوانین مالبه در ظرف ده روز راپورت خود را تقدیم مجلس بنماید و چون از طرف منبر کمیسیون مالبه این اظهار شده که با سایر آقایان هم صحبت بشود و میگویند باید تجدید نظر بشود و این لایحه را از مجرای خودش منحرف کرده اند که رئیس کل مالبه نظریاتی دارد عرض میکنم اگر نظریاتی دارد کتباً بنویسد و توسط وزارت مالبه تقدیم مجلس نماید این که کاری ندارد یا دولت اگر نظریاتی دارد نظام نامه راه آن را پیش بینی کرده است.
دولت خودش میآید و لایحه را پس میگیرد و تجدید نظر میکند.
بنابر این برای این که این قضیه سوء تأثیر نکند ما پیشنهاد کردیم که کمیسیون قوانین مالبه در ظرف ده روز راپورت خود را تهیه نموده بمجلس تقدیم کند حالا اگر این ده روز تمام شد و راپورت ندادند آن وقت ما ذیحق هستیم که تقاضا کنیم در مجلس مطرح شود و اگر راپورت دادند هم المطلوب و بالاخره باید علاقه مندی نسبت بقضایا بیشتر از این باشد.
در این جا گفته شد آن پیشنهادی که شد خروج از دستور بود. خیر.
آن پیشنهاد ارجاع بکمیسیون قوانین

مالبه بود وقتی که این پیشنهاد تصویب شده نظامنامه راهی را بمانشان نداده است که پس از یکماه ما بخواهیم تقاضا کنیم که برگردد راپورت بدهند.
این است که این پیشنهاد کردیم که پس از ده روز راپورت بدهند اگر دادند چه بهتر و اگر ندادند جزایشان این است که در خود مجلس همان لایحه مطرح شود کسی را هم به چوب نخواهند بست.
نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست جلسه را ختم میکنیم جلسه را آتی سه روز ۳ شنبه ۳ قبل از ظهر معین شده.
نایب رئیس - چون عده کافی نیست نمیشود دستور جلسه بعد را معین کنیم.
(مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان بیات منشی علی اقبال المالك - معظم السلطان.

جلسه ۱۳۳

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و هشتم جدی هزار و سیصد و سه مطابق بیست و دوم شهر جمادی الثانیه هزار سیصد و چهل و سه
مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید.
(صورت مجلس یوم شنبه بیست و هفتم جدی را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)
نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - قبال از دستور عرض دارم.
نایب رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)
رئیس التجار - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.
نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)
دولت آبادی - بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم.
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - قبل از دستور عرض دارم.
نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
طهرانی - بنده قبل از دستور سؤالانی از آقای وزیر فواید عامه دارم.
نایب رئیس - صورت جلسه تصویب شد.
وزیر فواید عامه اولاد و فقره لایحه

است راجع باسخدام دو فقره مهندس یکی مهندس متخصص برای جنگلها و یکی مهندس متخصص معادن که از آلمان باید استخدام شوند اشخاص هم تعیین شده تقدیم مجلس شورای ملی میشود و تمنا دارم زودتر اقدام در تصویب آن بفرمایند که موقع آن نگذرد.
یکی دیگر سؤال آقای طهرانی از دولت کرده بودند و مخصوصاً آن که بدهم شده بود که برای جواب ایشان حضور پیدا نمایم ممکن است سؤالشان را بفرمایند تا جواب داده شود.
نایب رئیس - لوایح بکمیسیونهای مربوطه ارسال شود.
آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی.
البته آقایان مخصوصاً آقای وزیر تجارت و فواید عامه خوب میدانند تجارتي که مملکت ما با خارجه دارد در مرحله اولی اتفاق افتاده است و اول صادره مملکت ما است قالی است.
هیچ چیز از مملکت ما بقدر قالی خارج نمیشود و عده یولی که از خارج وارد مملکت میشود یولی است که در ازاء قالی داده میشود و در موضوع قالی قانون آنطوری که باید و شاید بواسطه این که وزارت تجارت و فواید عامه توسعه که باید داشته باشند ندارد گمان می کنم مأمورین خارجه گمانی راپورت تجارت قالی را اعم از آمریکا و اروپا نداده باشند.
گاهگاهی در روزنامه هایك اشاراتی می شود.
مخصوصاً در روزنامه ایران در شماره هزار و هفتصد و شش به امضای میرزا علی خان و کیلی تبریزی که یکی از تجار معتبر و از علماء تجار امروزه است شرح مبسوطی می نویسد که بنده خلاصه آن را نوشته ام و عرض می کنم و بعد سؤالی که متوجه باو است عرض خواهم کرد. حاصل مضمونی که ایشان می نویسند این است که از شصت سال قبل صنعت قالی باقی از ایران به تبت واز آنجا بچین رفته و در بیست و يك سال قبل قالی چین در شهر شنت لوئی به نایشگاه برده و از آن روز بر مشتری های قالی چین افزوده شده تادر اواسط جنگ بین المللی که هوانی از برای تجارت ایران بود برای چین موقعی بدست آمده و در بازار های خارجه خاصه آمریکا بفروش رسانند و سابق بر این تجارت قالی منحصر بایران بود و از تجارت های خاصه ایران و امروز در شهر یکن پای تخت چین زیاده از چهارصد کارخانه موجود است و از روی اطلاعات واصله کارخانجات چین شکل منظمی بخود داده و فرشی که در ایران بدست می آید درشش ماه بواسطه

والته خود مردم با تجدیدت بکنند تا این کار
ها اصلاح شود والا تصور اینکه دولت در هر
کار باید اقدام کند هیچوقت مقصود را
تامین نمی کند بک قسمت دیگر سوال آقای
طهرانی راجع بود بمالیات های گزافه که
در بعضی ممالک اسم بردند در آلمان هر
کیلو گرم دوازده مارك طلا وضع کرده اند
و فرمودند نمائندگان ایران اقدام نکردند
در صورتی که این طور نیست نمائندگان
ایران اقدام کرده اند اول بر هر کیلو
گرمی دوازده مارك طلا بود بعد سگی
آلمان ها متمم کردند و در نتیجه اقدامات
همان مامورین دولت ایران بود که آن
متم را مرتفع نمودند و امروز بدینسانه تنها
دوازده مارك طلا نیست سی و شش مارك طلا
از قالی مالیات می گیرند
در سایر ممالک هم از قالی ایران مالیات های
گراف می گیرند البته این نکته را نباید
از نظر دور کرد که سی از جنک بین الملل
ممالک از برای حبران خسارات گذشته
خودشان بک تصمیمات اساسی اتخاذ کرده
اند من جمله در آلمان بواسطه بدین
خسارات زیاد ورود تمام اشیاء تجلی را متمم
کرده اند و منحصر بقالی مالیات آقای
طهرانی اشاره فرمودند باز که آند دولت
در صدور مامله متقارن بر آمده است باز؟
یعنی بعبارت دیگر خواستند فرمایند که
دولت ایران در صدور بک حثت گمرک
می خواهد بر آید باز؟ راست است ما
نهایت تأسف را دارم از اینکه چرا بر مال التجاره
مابک گمرک سنگین و زبادی تحمیل می
شود ولی در حال هیچ ممکتی این عمل را
بسهولت نمی کنند و بسهولت وصل بیک
چنین اقدامی نمی شوند درست می شنید
احتیاجات خودشان را هم از نقطه نظر واردات
عالم از نقطه نظر صادرات ملاحظه می کنند
و پس از اینکه این مطالب را خوب تحت
مطالعه قرار دادند آن وقت اقدام می کنند
فقط از نقطه نظر اینکه چون توازمال التجاره
من جلوگیری کردی من هم حتماً می
خواهم این کار را بکنم این اقدام رانی
کند پس از آنکه دیدند اگر جلوگیری
از ورود بک مال التجاره ضرری متوجه
خودشان نمی شود این اقدام می کنند
در این باب هم مشغول مطالعات هستیم ولی
متأسفانه هنوز نتوانسته ایم تصمیم قطعی
انخاذ کنیم زیرا در این باب از بک طرف
اقتکار عامه می گوید از ورود اشیاء تجلی
باید جلوگیری بشود از طرف دیگر
ادارات مربوطه از قبیل اداره گمرک که شاید
زیاد صلاحیت حکمیت و قضاوت ردا داشته
باشد چون کلیه ارقام ابعاد را می بیند آن
ها این اقدام را زیاد مقرر می دانند
ولی معینا مطالب فوق الماده محتاج به مطالعه
و مذاکره است و مشغول به مطالعه و مذاکره مان
دیم پس از آنکه نتیجه مطالعه و مذاکره مان
معلوم شد آن وقت اگر صلاح مملکت نبود

و دیدیم این اقدام موجب ضررهای اقتصادی
به ای مملکت می شود آن وقت ناچاریم
مکتوبه قالی ما تحمل بک خسارت را بکنند
بهر است تا اینکه تحمل دو خسارت را بکنیم
رئیس - آقای سلطان العلماء
(اجازه)
سلطان العلماء - بنده چند روز است که
مکرر اجازه خواسته ام که راجع بقانون
استخدام معلمین که از کمیسیون مبتکرات
گذشته است پیشنهاد کنم و از مقام ریاست
تقاضا نام جز دستور شود و متأسفانه فرصت
نشد و امروز هم که آقای طهرانی میخواستند
سوال از وزارت فواید عامه بنمائند بنده
گمان می کردم دیگر وقت نمونده نخواهد
رسید ولی حالا که اجازه فرمودند عرض می
کنم البته خاطر محترم آقایان مستحض
است که طرح قانونی استخدام معلمین
شش ماه قبل پیشنهاد شد و جمعی از
آقایان نمایندگان هم امضاء کردند و
تقدم مجلس شد و از مجلس هم کمیسیون
مبتکرات ارجاع نمودند ولی در این بین
بک لایحه قانونی هم از طرف دولت پیش
مقدم بود رفت کمیسیون معارف ولی بعد
دولت لایحه قانونی خود را مسترد داشت
و چون این مسئله خلی لازم است و باید
مطرح شود این است که از مقام ریاست
استدعا می کنم راپورت کمیسیون مبتکرات
را فرمایند بخوانند و اگر قابل توجه شد آن
آن وقت کمیسیون ارجاع فرمایند
نایب رئیس - آقای رئیس التجار
(اجازه)
رئیس التجار - چندین قبل لایحه از طرف
وزارت مالیه بمجلس تقدیم و کمیسیون
بوده ارجاع شد و این لایحه راجع بعضی
مستمری هائی بود که مجلس دوره دوم هم
تصویب کرده است و راپورت آن راهم
مدتی است داده اند و بنده هر چه منتظر
شدم جزو بودجه عموم بمجلس بیاید متأسفانه
نیامد و بعد معلوم شد که در وقت رتبه مانده
است این است که استفاده کنیم مقرر
فرمایند جزو دستور جلسه آتی گذاشته
شود
جمعی از نمایندگان - وارد دستور
شود
سلطان العلماء - اجازه می فرمایند
نایب رئیس - قبل از سر گذارده نفر
اجازه خواسته اند بمجلس تقاضا دارد که وارد
دستور شویم
سلطان العلماء - بسیار خوب بنده تقاضا
می کنم جزو دستور روز سه شنبه شود
نایب رئیس - سه فقره راپورت کمیسیون
هرایش و مرخصی است قبل از دستور قرائت
می شود
راپورت مرخصی آقای قائم مقام الملك بشرح
ذیل قرائت شد
آقای قائم مقام الملك - نماینده محترم

دو طر انگراف که از شیراز و شوزستان
مغایره کرده و دند تقاضای بک ماموریت
روز مرخصی کرده بودند
از نظر اولی کمیسیون چون دلیل مو جهی
نیات که بانسکاه آنها تصویب کند
تقاضای ایشان را نپذیرفت لکن پس از
آنکه وارد شدند دولتی که اظهار داشتند
کمیسیون را قائم گردانید لذا تصویب
می نماید که از تاریخ ۲۹ عقب تا مدت
پنج ماه روز غائب با اجازه منظور شوند
مدرس - اجازه می فرمایند؟
نایب رئیس - بفرمایند
بنده گمان نمی کنم این مسئله سابقه
داشته باشد چون راپورت را که کمیسیون
مجلس داده است خطا کرده زیرا راپورتی
در این خصوص بمجلس آمد و مجلس هم
رای نداد منتظر باید از کمیسیون مواخذه
نمائند والا پس از رای مجلس تجدید نظر
شود
ده مرتبه باورند بمجلس این ترتیب سابقه
ندارد و کمیسیون مستورا است که چرا
تحقیق خود را اول خوب نکرده است
نایب رئیس - بک راپورتی دارم و
باید رای بکنم
آقای آسید یعقوب
(اجازه)
آقای آسید یعقوب - بنده عقیده دارم
مطابق نظام نامه ما باید این لایحه دانست
یا طرح قانونی که اگر در مجلس آمد و
قبول نشد تا شش ماه دیگر نتواند مجدداً
باید و همین طور که آقای مدرس فرمودند
بهر این است که آقای مجیر راپورت را
پس بگیرند و بعد از شش ماه مجدداً تقدیم
مجلس نمایند
نایب رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)
دست غیب - آقای مدرس متسک
بسانه شدند و آقای آسید یعقوب فرمودند
جزو لایحه است و باید تا شش ماه دیگر
مطرح نشود
بنده عرض می کنم این لایحه نیست و
کمیسیون در دلیلی که آقای قائم مقام -
الملك بیان کرده بودند تجدید نظر کرده
رای داده است و آورده بمجلس و همچو
سابقه در مجلس نیست که اینطور چیزها
نیاید در مجلس و ماده نظام نامه هم راجع
بلاجه و طرحی است که از طرف دولت
پیشنهاد میشود و حالا کمیسیون بک راپورتی
داده است و مطابق راپورت هم رای میگیریم
والته اکثریت مجلس هم رأی اطمینان است و
اینهمه نه جزو لایحه است نه جزو طرح و نه
مخالف سابقه نظام نامه است بلکه بک
راپورتی است که کمیسیون داده و مطابق
آنها باید رای گرفت
نایب رئیس - آقای یاسانی
(اجازه)
یاسانی - بنده راجع بدستور عرض

و یک فقره دیگر هم بیست روز که مجموعش
مقتاد روز می شود
از کمیسیون بک خبر تقدیم مجلس شد
و مجلس مطابق خبر کمیسیون رای داد و
بیست روزش تصویب شد و باقی ماند پنج ماه
روز اگر چه خبرش را کمیسیون نوشته بود
ولی در مجلس قرائت و محل مذاکره واقع
نشد تا اینکه آقای خودشان تشریف آوردند
و توضیحاتی دادند که کمیسیون رافانغ کردند
و چون راپورت هنوز بمجلس نیامده بود وقت
تجدید نظر درش باقی بود این بود که
کمیسیون تجدید نظر کرد و راپورتش هم
اینست که حالا بمجلس آمده است و آقایان
اشتباه کرده اند
(جمعی از نمایندگان اظهار نمودند -
مذاکرات کافی است رای بگیریم)
مدیر - اینطور که توضیح دادند
بنده هم مخالفتی ندارم اگر در مجلس رای
داده نشده
نایب رئیس - چون بعضی از آقایان
بیرون تشریف برده اند و نمی آید چند دقیقه
تنفس داده شود
آقای آسید یعقوب - خبر کنید
بباید
مثلا کمیسیون خارجه راجع به لایحه
خارجه که مربوط به خودش است وقتیک
راپورتی بمجلس میدهد ورد می شود دیگر
دو مرتبه آن مطلب نباید در آن کمیسیون
مورد بحث و مذاکره واقع شود و مثل
این میماند که در رای مجلس بک استثنائی
باشد و این مسئله مخالف باشون مجلس
است و اگر کمیسیون عرایض نتوانسته است
بک تحقیقات و مطالعات کاملی بنماید این
مسئولیت متوجه خود کمیسیون است
کمیسیون نمیتواند راپورتی را که مجلس
تصویب نکرده و در معنی مرخصی آقای
قائم مقام الملك رد شده است
ثابتاً تجدید نظر نماید و بنده نام
احترامات و شئون رای مجلس تأیید
می کنم
فرمایشات آقای آسید یعقوب را
اینکه کمیسیون راپورتش را پس بگیرد
و وقت مطالعه کاملی بنماید و ببیند این
راپورتی که داده است آیا ذی حق است یا
خیر
کازرونی - (مخبر کمیسیون) بنده
مجبورم از نقطه نظر کمیسیون دفاع کنم و
عرض کنم که گویا رای آقایان اشتباهی
رخ داده است
آقایان خیال میکنند بک راپورتی از
کمیسیون بمجلس آمده و مجلس رای ندهد
و حالا مجدداً کمیسیون تجدید نظر کرده
و تقدیم مجلس نموده است در صورتیکه
اتفاقاً اینطور نیست
آقای قائم مقام - سه فقره اجازه
خواسته اند بک فقره بیست روز مرخصی

بود که بدون اجازه حرکت کرده اند این
بود که آن بیست روز اول را که نوشتجات
آقایان بعد از حرکتشان رسید
کمیسیون تصویب نکرد و آن بیست
روز را غایب بدون اجازه تصور کرد ولی
بعده معلوم شد که آقای رئیس اجازه مرحمت
کرده بودند
باین معنی که آقای رئیس اجازه داده
بودند و تحصیل اجازه نموده بودند ولی
حضرت ریاست پنهانی دیر بک کمیسیون عرایض
اطلاع داده بودند
این بود که کمیسیون هم آقایان را غایب
بی اجازه نوشته بود و بعد تلگرافی هم از
شیراز و هم از مجمره رسید که آقایان قائم
مقام الملك و دبیر اعظم پنج ماه روز یعنی سی
روز از شیراز و بیست روز از مجمره مجدداً
استجازه کرده بودند و تمديد مدت مرخصی
را تقاضا نموده بودند
این بود که راپورت اول که بیست روز
باشد آمد بمجلس و در مجلس هم راپورت
کمیسیون رای گرفته تصویب شد و اگر چه
در آن پنج ماه روز مرخصی کمیسیون رای
منفی داد
ولیکن چون در مجلس قرائت نشده
بود و هر دو آقایان هم اعتراض باین قضیه
داشتند و اظهار نمودند که ما هم در موقع حرکت
و هم در بین راه استجازه نموده ایم و بک
دلیلی اقامه کردند که عقیده سابق کمیسیون
را متزلزل کرد
باین ملاحظه بنده با حضرت ریاست
پناهی مذاکره نمودم و ایشان هم اشکالاتی
در این باب تصور نمی کردند
باین جهت کمیسیون رای داد که این
پنج ماه روز آخر هم غایب با اجازه منظور
شوند
و در واقع آن بیست روز اول را هم
نمی شود غایب بی اجازه تصور کرد
زیرا که اینجا قبلاً از حضرت ریاست
پناهی استجازه کرده بودند و بعد تشریف
برده بودند
ولی چون آن راپورت آمد در مجلس و
مجلس هم اینطور رای داد
البته در این موضوع نمی شود حرف
زد و اینهمه از نقطه نظر اقتصاد نیست که
آقای قائم مقام الملك اصرار دارند که این
راپورت در مجلس شورایی طرح شود و
رای بگیرند
و شاید خود ایشان درامه مبلغی زیاد
بایک اشخاصی مساعدت میکنند
ولی از نقطه نظر حفظ حیثیات و
احترامات مجلس البته مقید هستند که
ایشان را غایب بی اجازه نخوانند و تصور
نمی کنم کمیسیون هم برخلاف وظیفه رفتار
کرده باشد
این است که در آن بیست روز اول
رای گرفته شده است و فقط در این پنج ماه
روز اخیر باید رای گرفته شود دیگر بسته

است بنظر آقایان
نایب رئیس - رای گرفته میشود
این راپورت آقایانی که تصویب میکنند
قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد لایحه
اوزان و مقادیر بر حسب رای مجلس جزو
دستور است اگر مخالفی نیست مطرح
شود
آقای آسید یعقوب - بنده مخالفم
نایب رئیس - بفرمایند
آقای آسید یعقوب - لایحه اوزان و
مقادیر همین طور که میفرمایند جزو دستور
بود ولی در درجه پنجم دوسه لایحه دیگر
قبل از این جزء دستور بود
یک نفر از نمایندگان - اینطور
نیست
آقای آسید یعقوب - بلی اینطور است
یکی لایحه راجع بقانون انتخابات بود و
یکی هم لایحه قانون مالیات تصاعدی بود
که فریب چهل نفر از آقایان پیشنهاد کردند
و این مسئله فوق العاده اهمیت دارد
زیرا مجلس شورایی کارش به بارست
از وضع و نسخ مالیات و این بک مالیاتی است
که فوق العاده از نقطه نظر مملکت اهمیت
دارد و تقاضا کردند که کمیسیون در ظرف
ده روز نظریات خودش را تنظیم نموده و
بمجلس بیارد
بنده در روز در آخر جلسه گرفتار بودم
و مرخص شدم و همان طوریکه آقای تدین
و بعضی از آقایان نمایندگان دیگر آن
پیشنهاد را تقدیم مقام ریاست کرده بودند
که در این موضوع صحت شود بنده چون
یکی از پیشنهاد کنندگان هستم این است
که تقاضا میکنم این مسئله امروز جزء
دستور شود که تکلیفش نفیاً و اثباتاً معلوم
شود و بعد اگر وقت داشتیم راجع بلاجه اوزان و
مقادیر صحبت میکنیم و بنده تقاضا میکنم از آقای
مخبر که خود ایشان تقاضا کنند که این
مسئله جزء دستور گذاشته شود و مساعدتی
با قوت و اقتدار از مجلس بفرمایند که بک
مسئله که طرح شد جریان خودش را طی
بنماید و تکلیفش معلوم شود منتھی پیشنهادها
میرود بکمیسیون و در شورائی اصلاح میشود
و همان طور که آقای مشارعظم فرمودند
نظام نامه اش را هم ممکن است منضم کنند
ما هم کاملاً موافق هستیم
بنابر این استدعا میکنم این لایحه جزء
دستور امروز گذاشته شود که رای قطعی
درش داده شود و بعد اگر بلاجه اوزان و
مقادیر یا لایحه دیگری باشد ما هم موافقیم
نایب رئیس - (خطاب با آقای رهنما)
کار پیشنهاد کرده اند که در موضوع
آن پیشنهاد مذاکره شود؟
رهنما - بنده عرض میکنم اگر این

موضوع زیاد درش بحث شود دامنه اش
تا ظاهر کشیده میشود و شاید هم نتیجه گرفته
نشود
جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند که
در ظرف ده روز کمیسیون راپورت خودش
را بدهد و بعد از آقایان اظهار کردند که
نمی شود کمیسیون را ملزم کرد
بالاخره این قضیه باید خاتمه پیدا
کند که مجلس حالت طبیعی خودش را
پیدا کند
آقایان بعضی عقیده شان این است
که کمیسیون را نباید ملزم کرد ولی اشخاصی
که این پیشنهاد را کرده اند نظرشان این
است که اگر در ظرف ده روز کمیسیون
راپورت خودش را تقدیم مجلس نکند
همین لایحه مطرح شود و اگر در اطرائش
نظریاتی هست پیشنهاد شود و برود
کمیسیون که این لایحه معطل نماند و در
حقیقت مقصودشان این است که تازه روز
بکمیسیون وقت داده شود که در این لایحه
تجدید نظر نماید و اگر پس از ده روز راپورت
جدیدی تهیه نکرد همان راپورت کمیسیون
اول که در این کمیسیون هم تصویب شده و
دولت پیشنهاد کرده مجدداً مطرح شود
در حقیقت مقصود این است که بدون تجدید
نظر کمیسیون فعلی لایحه در مجلس مطرح
نشود که باعث معطلی باشد
نایب رئیس - رای میکنیم به
پیشنهاد آقای آسید یعقوب - آقایانی
که تصویب میکنند این لایحه مقدم بر
لایحه اوزان و مقادیر باشد فرمایند
(عده ای قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد لایحه
اوزان و مقادیر مطرح است
سر کشیکزاده - بنده پیشنهادی
دارم
نایب رئیس - در چه موضوع
است؟
سر کشیکزاده - راجع به همین
مالیات تصاعدی است که تا ده روز دیگر
جزء دستور شود
نایب رئیس - بسیار خوب - بعد درش
رای میکنیم فعلاً لایحه اوزان و مقادیر
مطرح است
آقای هرمزی
(اجازه)
هرمزی - عرض ندارم
نایب رئیس - ماده اول قرائت
میشود
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
مملکت ایران از تاریخ نشر این قانون
مطابق اصولی جاری بوده و از روی معیار
کیلو گرام و لیتر کمیسیون بین المللی متر
تنظیم یافته و واحد اساس آنها از فرادیل
خواهد بود

و یک فقره دیگر هم بیست روز که مجموعش
مقتاد روز می شود
از کمیسیون بک خبر تقدیم مجلس شد
و مجلس مطابق خبر کمیسیون رای داد و
بیست روزش تصویب شد و باقی ماند پنج ماه
روز اگر چه خبرش را کمیسیون نوشته بود
ولی در مجلس قرائت و محل مذاکره واقع
نشد تا اینکه آقای خودشان تشریف آوردند
و توضیحاتی دادند که کمیسیون رافانغ کردند
و چون راپورت هنوز بمجلس نیامده بود وقت
تجدید نظر درش باقی بود این بود که
کمیسیون تجدید نظر کرد و راپورتش هم
اینست که حالا بمجلس آمده است و آقایان
اشتباه کرده اند
(جمعی از نمایندگان اظهار نمودند -
مذاکرات کافی است رای بگیریم)
مدیر - اینطور که توضیح دادند
بنده هم مخالفتی ندارم اگر در مجلس رای
داده نشده
نایب رئیس - چون بعضی از آقایان
بیرون تشریف برده اند و نمی آید چند دقیقه
تنفس داده شود
آقای آسید یعقوب - خبر کنید
بباید
مثلا کمیسیون خارجه راجع به لایحه
خارجه که مربوط به خودش است وقتیک
راپورتی بمجلس میدهد ورد می شود دیگر
دو مرتبه آن مطلب نباید در آن کمیسیون
مورد بحث و مذاکره واقع شود و مثل
این میماند که در رای مجلس بک استثنائی
باشد و این مسئله مخالف باشون مجلس
است و اگر کمیسیون عرایض نتوانسته است
بک تحقیقات و مطالعات کاملی بنماید این
مسئولیت متوجه خود کمیسیون است
کمیسیون نمیتواند راپورتی را که مجلس
تصویب نکرده و در معنی مرخصی آقای
قائم مقام الملك رد شده است
ثابتاً تجدید نظر نماید و بنده نام
احترامات و شئون رای مجلس تأیید
می کنم
فرمایشات آقای آسید یعقوب را
اینکه کمیسیون راپورتش را پس بگیرد
و وقت مطالعه کاملی بنماید و ببیند این
راپورتی که داده است آیا ذی حق است یا
خیر
کازرونی - (مخبر کمیسیون) بنده
مجبورم از نقطه نظر کمیسیون دفاع کنم و
عرض کنم که گویا رای آقایان اشتباهی
رخ داده است
آقایان خیال میکنند بک راپورتی از
کمیسیون بمجلس آمده و مجلس رای ندهد
و حالا مجدداً کمیسیون تجدید نظر کرده
و تقدیم مجلس نموده است در صورتیکه
اتفاقاً اینطور نیست
آقای قائم مقام - سه فقره اجازه
خواسته اند بک فقره بیست روز مرخصی

ذرع - مساوی بیک متر -
 درم - مساوی بیک گرام - رطل -
 مساوی بیک متر -
 اضعاف و اجزای این مقیاسها نیز که در جدول شماره ۱ منضم باینقانون مصرح است رسمی و لازم الرعایه میباشد.

اخگر - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - عرضی ندارم.

فایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - عرضی ندارم.

نایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟

یاسائی - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید.

یاسائی - مخالفت بنده با این رابرت از این نظر است که یک موافق در شورای اول داشت و تصور میشد که این نواقص در شورای ثانی اصلاح خواهد شد و رابرت ثانی جامع خواهد بود.

اولا بنده با کلمه (اوزان) که در اینجا ذکر شده مخالفم و آنرا غلط میدانم. یا باید گفت (موازین و مقادیر) یا اصلا لفظ اوزان را حذف کرد و فقط گفت: لایحه مقادیر.

مجلس شورای ملی باید علاقه مند باشد که اصول و طرز ادبیات فارسی را حفظ کنند. قوانینی را که وضع می کنیم و بدست جامعه میدهم باید اولاً غلط نباشد. بعلاوه دارای اصطلاحات ادبی و معمولی باشد. حال خواه عربی خواه فارسی در هر حال اصطلاحات باید مستعمل باشند. برخلاف استعمال بعقیده بنده اوزان و مقیاسها غلط است و باید گفت:

میزان و مقیاسها یا موازین و مقادیر یا انقلاب گوئیم لایحه مقادیر و موازین را خبلی بهتر و واضح تر خواهد بود.

دوم راجع به ذرع و رطل بعقیده بنده مادام که لغت فارسی داریم نباید برویم لغت خارجه را استعمال کنیم.

اگر هم خودمان لغت نداشتیم خوبست لغت عربی را استعمال کنیم و حتی الامکان از لغات دیگران اجراض و اجتناب کنیم.

اگر نه خودمان لغت داشتیم ونه عربی بود آنوقت از زبانهای دیگران یک لغتی بگیریم و استعمال کنیم.

در اینجا مسألت فارسی داریم و در قسمت های جنوبی ایران همه جا ذرع را میگویند و بعقیده بنده اگر بجای کلمه ذرع گوگردارده شود خیلی بهتر و مناسب تر است.

و اینهم یک لفظ قدیمی است در این

صورت لزومی ندارد که ما ذرع بگوئیم همینطور لفظ درم هم فارسی است و شاید مخفف درم باشد و در قدیم هم استعمال میکردند.

و در آنجا اطلاق میشد بر یک وزن معمولی باین حال لزومی ندارد که ما هم این را قبول کنیم

خوبست لفظ (بیانه) را که لغت فارسی است و در اغلب جاها هم مصطلح و معمول است بجای رطل بگذاریم

و اگر بنا باشد مایک قانونی وضع کنیم خوب است همین لفظ بیانه را که لغت فارسی و خیلی مصطلح هم هست و خواجه حافظ هم میکوبد قبول کنیم

دیگر از اعتراضات بنده راجع باین است که در مقابل کلمه مقیاس هائی که در جدول قید شده باید مقیاس های قدیم هم ذکر شود تا در موقع مقایسه جامعه دچار اشکال و اشتباه نشود.

فردا که میخواهند مقایسه کنند سالیان دراز طول دارد تا جامعه سیستم متریک را بفهمد مخصوصاً اهل قراه و قصبات که مدتها دچار اشکال خواهند بود و باید رعایت حال آنها را هم کرد

و بنظر بنده در مقابل هر مقیاسی باید قید شود که مثلاً فلان مقیاس مساوی با کدام مقیاس سابق است تا رفع اشکال بشود

دیگر اینکه برای مقیاس وزن نوشته شده است واحد مقیاس وزن درم یک گرم است اجزایش را هم معین کرده اند:

نخود . ارزن . خردل

این عیبی ندارد ولی برای اصنافه درم نوشته اند و اسمی برای ده درم پیدا نکرده اند چه ضرر داشت که ده درم متقال را معین میکردند؟

برای صد درم هم که سیرا معین نموده اند

ولی برای ده هزار درم و صد هزار درم هم اسمی معین نکرده اند.

خوب بود برای ده هزار درم من را و برای صد هزار درم من را معین میکردند و اینها هم یک اصطلاحات معمولی است و ضرری نداشت که برای ده درم متقال و برای ده هزار درم من که تقریباً نزدیک هم هست من شاه و برای صد هزار درم هم خروار معین میشد و این اشکالی هم ندارد.

دیگر از چیزهایی که در اینجا قید شده و بنظر بنده خوب نیست اجزای مقیاس طول است.

در اینجا ده یک ذرع موسم شده است بگروه و صد و یک ذرع به بهرو بالاخره هزار یک ذرع بمو.

این اسمی هر چند اشکالی ندارد ولی در جای که برای ذرع لازم میشود بگوئیم ذرع مربع

آنوقت نسبت بمو چندان خوش آمد

و مطبوع نیست و موی مربع چیز غریبی می شود.

بعقیده بنده باید یک کلمه دیگری پیدا کرد و بجای مو استعمال کرد.

زیرا موی مربع اینقدرها لغت خوبی نیست.

البته در وضع قانون جنبه فصاحت و بلاغت را هم نباید از دست داد و استعمال کلماتی که تنافر دارد خوب نیست

دیگر از چیزهایی که بنده در نظر دارم و سابق بر این هم در نظر داشتم این است که واحد مقیاس نقد آریا قرانست یا تومان؟

بجدول حسابها که گاهی گاهی نگاه می کنیم واحد پول را گاهی قران و گاهی تومان میگویند.

وقتی که عدد صحیح را قران میگیرند اعشارش دینار است و وقتی که عدد صحیح را تومان میگیرند اعشارش قران خواهد بود و باین ترتیب غالباً در محاسبات دچار اشکال میشویم.

بعقیده بنده واحد نقد را چنانچه مصطلح هم هست باید تومان گرفت زیرا همیشه گفته می شود.

فلان ثبات سی و دو تومان حقوق دارد نه سیصد و بیست قران، یا فلان وکیل دوست تومان حقوق دارد نه دوهزار قران یا فلان وزیر هفتصد و پنجاه تومان مواجب دارد نه هفتصد و پنجاه تومان.

پس اگر واحد مقیاس پول را تومان بگیریم ضرری ندارد و در این صورت دیگر هیچ محتاج نخواهیم شد که هم میز را عب و جلو برویم و در محاسبات دچار اشکال شویم.

این بود نظریات بنده و پیشنهادهایی هم در این باب تقدیم کرده ام

نایب رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - در قسمت های اخیر فرمایشات آقای یاسائی بنده عرض ندارم و منوط برای مجلس مقدس است ولی در قسمت اول راجع به اوزان و موازین شرحی را که فرمودند بنده چون عضو کمیسیون فواید عامه بودم لازم است عرض کنم که این موضوع هم در کمیسیون فواید عامه مطرح مذاکره شد و خود بنده هم یک وقتها و مراجعاتی کردم.

اتفاقاً این اسمی که اتخاذ شده است در لغت بیشتر متناوب با معنی است و وزن مصدر است.

هذاوزان ذاك همانطور که فرمودند وزن یعنی سنگینی و جمش هم اوزان است ولی موازین که بمعنی مفروش میزان است و بمعنی آنتی است که چیزی را با آن وزن میکنند.

ما از این لایحه و قانون نظری برآورد و آنتی که بساا چیزی را وزن میکنند نداریم.

بلکه نظراً بسنگ است. ترازور چه میخواهد باشد نظر و مقصود ما از این لایحه سنگ همان سنگی که در شیراز بعد متقال یک من گفته می شود، در جای دیگر هزار متقال یک من گفته می شود.

در کار وزن یک طور است و در تهران یا در جای دیگر یک نوع.

مقصود مقننین از وضع این قانون توحید وزن و سنگ است و سعی میکند تا در تمام مملکت وزن را بیک شکل واحد در آورد که در آذربایجان با ساوجبلاغ یا جای دیگر همه جا یک شکل باشد

در اینصورت بنده تصور میکنم این لفظی که در لایحه در نظر گرفته شده است بهتر با اصل معنی تناسب دارد تا آنکه مقصود چنانچه عالی است

یاسائی - بنده توضیح دارد

نایب رئیس - اگر توضیح نظامنامه ایست بفرمائید

یاسائی - بلی توضیح نظامنامه ایست. آقای ضیاء الواعظین مقصود بنده را طور دیگر ملتفت شدند فرض بنده این بود که میزان لغت عربی است یعنی آن چیزیکه شما چیز دیگری را بوسیله اومیسنج به معین دلیل که میکوبید واحد قیاس. به معین دلیل بعقیده بنده اوزان غلط است

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده مخالف بعقیده آقای یاسائی هستم

نایب رئیس - باماده موافقت یا مخالف؟

آقا شیخ محمد علی طهرانی - باماده موافقت

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - موافقت

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقت

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

نایب رئیس - بیس مخالفی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر

نایب رئیس - پیشنهادهایی که رسیده قرائت میشود

پیشنهاد آقای یاسائی (شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه اوزان تبدیل بموازین شود . . . با لفظ اوزان حذف

وزن میکنند.

ما از این لایحه و قانون نظری برآورد و آنتی که بساا چیزی را وزن میکنند نداریم.

بلکه نظراً بسنگ است. ترازور چه میخواهد باشد نظر و مقصود ما از این لایحه سنگ همان سنگی که در شیراز بعد متقال یک من گفته می شود، در جای دیگر هزار متقال یک من گفته می شود.

در کار وزن یک طور است و در تهران یا در جای دیگر یک نوع.

مقصود مقننین از وضع این قانون توحید وزن و سنگ است و سعی میکند تا در تمام مملکت وزن را بیک شکل واحد در آورد که در آذربایجان با ساوجبلاغ یا جای دیگر همه جا یک شکل باشد

در اینصورت بنده تصور میکنم این لفظی که در لایحه در نظر گرفته شده است بهتر با اصل معنی تناسب دارد تا آنکه مقصود چنانچه عالی است

یاسائی - بنده توضیح دارد

نایب رئیس - اگر توضیح نظامنامه ایست بفرمائید

یاسائی - بلی توضیح نظامنامه ایست. آقای ضیاء الواعظین مقصود بنده را طور دیگر ملتفت شدند فرض بنده این بود که میزان لغت عربی است یعنی آن چیزیکه شما چیز دیگری را بوسیله اومیسنج به معین دلیل که میکوبید واحد قیاس. به معین دلیل بعقیده بنده اوزان غلط است

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده مخالف بعقیده آقای یاسائی هستم

نایب رئیس - باماده موافقت یا مخالف؟

آقا شیخ محمد علی طهرانی - باماده موافقت

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - موافقت

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقت

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

نایب رئیس - بیس مخالفی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر

نایب رئیس - پیشنهادهایی که رسیده قرائت میشود

پیشنهاد آقای یاسائی (شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه اوزان تبدیل بموازین شود . . . با لفظ اوزان حذف

گردد.

نایب رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - لازم است عرض کنم که در اینجا دو قسمت است.

یکی موضوع مذاکره در الفاظ و عبارات است.

و یکی اصل قضیه است.

اما در اصل قضیه خاطر نماینده گان معتمد مسبق است که وقتی یک لایحه تصویب میشود باید طوری باشد تا در خارج هم بتوانند جریان پیدا کنند و این اصل همیشه منظور نظر ما بود.

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس

آقایان موافقین قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای یاسائی (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در جدول (۱) واحد مقیاس نقد (تومان) نوشته شود.

وزیر فواید عامه بعقیده بنده واحد مقیاس پول هر چه کوچکتر باشد بهتر است و از این جهت تومان زیاد است و بنده عقیده داشتم که قران را هم معین نکنند و اگر ریال را استعمال کنند بهتر است در هر حال تومان زیاد است.

مخبر - عرض میکنم در مسئله واحد پول که پیشنهاد کرده اند اگر آقا موافقت فرمایند که این مسئله مراجعه شود به وزارت مالیه و با نظر وزارت فواید عامه و مالیه اینکار معین شود بهتر است زیرا اگر حالا ما بیائیم یک مرتبه این پیشنهاد را قبول کنیم و بعد وزارت مالیه و فواید عامه نظر دیگری داشته باشند این خوب نیست در هر صورت اینکار با نظر آنها دقت و اصلاح شود بهتر است

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای یاسائی.

آقایان که موافقت فرمایند (چند نفری قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای عماد السلطنه (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم لایحه پنجم و بیمایش نوشته شود. عماد السلطنه

نایب رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - چون آقایان توجهی که لغات فارسی قدیمی خودمان معمول شود و این دو کلمه، مخصوصاً در پیش زارعین و دهاقین خیلی معمول و متداول است باین جهت بنده پیشنهاد میکنم که لایحه پنجم و بیمایش نوشته شود و نزدیک بهم هم

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اگر چه بنده توضیحات خودم را کاملاً عرض کرده ام ولی مجدداً عرض میکنم که باید در برابر متری که حالا قبول میکنیم و مثلاً امش را که میگذاریم بفهمیم که این متر معادل باچه شاهزاده شیخ الرئیس (شرح ذیل قرائت شد)

اشتباه میشود مثلاً متر گویا چهارده گره و دوخمس گره است پس این قید را باید بکنیم که ذرع جدید معادل با ۱۴ گره دو خمس گره قدیم است. برای اینکه الان یک ماملائی شده و سست بدست اشخاص داده شده است

فرضا بنده هزار ذرع یا رچه از یک کسی میخواهم.

وقتی می خواهم مطالبه کنم اطرفین نمیدانم بموجب اصول جدیده چقدر باید مطالبه کنم

این مقایسه اسباب اشتباه می شود لذا این توضیح بعقیده بنده لازم است. مخبر - عرض می کنم در این قسمت مانعی ندارد.

ولی در اینجا اساس مسئله و اساس مشکلاتی که در اوزان و مقادیر پیدا شده است ناشی از این است که در هر جائیک اصطلاحات مخصوصی دارد شما حالا آمدید سطر رامین کردید و گفتید فلان قدر میلیونیم دور کرده یادرم را آمدید فلان مقدار آب با فلان درجه حرارت معین کردید حالا می خواهید تطبیق کنید اولاً باید فهمید که این تطبیق را با چه باید کرد بایستی که در طهران معمول است؟ آقا این تطبیق را مجلس شورای ملی باید بکنند یا دولت؟

بعقیده بنده این کار را دولت باید بکند که وقتی سنگ ها درست می کنند در مقابل آن اسامی اوزان معموله را بگذارند.

ولی حالا شما آمدید مال طهران رامین کردید آن وقت در خراسان و آذربایجان اسباب زحمت خواهد شد و اشکال پیدا خواهد کرد

نایب رئیس - رأی می گیریم بییش نهاد آقای یاسائی.

آقایانی که موافقت فرمایند (چند نفری قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای عماد السلطنه (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم لایحه پنجم و بیمایش نوشته شود. عماد السلطنه

نایب رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - چون آقایان توجهی که لغات فارسی قدیمی خودمان معمول شود و این دو کلمه، مخصوصاً در پیش زارعین و دهاقین خیلی معمول و متداول است باین جهت بنده پیشنهاد میکنم که لایحه پنجم و بیمایش نوشته شود و نزدیک بهم هم

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اگر چه بنده توضیحات خودم را کاملاً عرض کرده ام ولی مجدداً عرض میکنم که باید در برابر متری که حالا قبول میکنیم و مثلاً امش را که میگذاریم بفهمیم که این متر معادل باچه شاهزاده شیخ الرئیس (شرح ذیل قرائت شد)

نایب رئیس - بییش نهاد آقای اخگر قرائت میشود.

اخگر - بییش نهاد بنده دیگر مورد ندارد. چون قبول کردند (بییش نهاد دیگری از طرف آقای یاسائی مضمون ذیل قرائت شد)

بنده بییش نهاد می کنم . نوشته شود فقط (لایحه مقیاسها)

نایب رئیس - باز هم بییش نهاد را تعقیب می کنید؟

یاسائی - چون قبول کرده اند دیگر عرضی ندارم.

(پیشنهاد دیگر آقای یاسائی باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در جدول (۱) در برابر ده درم متقال نوشته شود: و ایضاً ده هزار درم بمن نامیده شود و صد هزار درم بخروار موسوم گردد.

یاسائی

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - در این جدول نوشته شده است درم مساویست با یک گرم ولی اضعاف درم را صحیح ننوشته اند و فقط نوشته اند متقال را که یک کلمه معمول و متداولی است میگذارند خیلی بهتر و مناسب تر بود و برای ده هزار درم هم نام معین کنیم و بجای صد هزار درم هم خروار را معلوم نمائیم که هم آشنایان اصطلاحات هستند و خیلی هم معمول و متداول است و اگر ما بجای این کلمات اصطلاحات خودمانی را بگذاریم خیلی مناسب تر خواهد بود.

مخبر - در این قسمت البته اگر آقایان نمایندگان معتمد یک کلمه پیدا کنند در مقابل ده درم که اسباب اشکال نشود بهتر است و البته باید قبول کرد ولی علت اینکه ما متقال را بجای ده درم نگذاشته ایم برای رفع همان اشتباهی است که توضیح دادم زیرا متقال الان بیس گرم است و در دوخانه هم همینطور استعمال میشود و اگر حالا بیائیم بگوئیم ده گرم یک متقال باشد اسباب اشکال میشود پس کنار این خوبست مجلس شورای ملی یک کلمه پیدا کند که نزدیک بقصود باشد خواه مستعمل خواه کلمه جدید باشد البته بهتر است و مخصوصاً اگر یک کلمه جدیدی پیدا کنیم خیلی بهتر از متقال خواهد بود چون کمتر اشکال دارد.

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای یاسائی (مده ای قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس (باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم - وزارت تجارت نظامنامه ترتیب داده و هر يك از اینها را با اوزان و مقدار و مقیاس های ولایات تطبیق کند.

محمدشاه میرزا

شاهزاده شیخ الرئیس - بنده اشکال بعضی از آقایان را که می فرمایند باعث سرگردانی اشخاص خواهد شد و آردمی - دائم و اساسا یکی از چیزهایی را که ما را واداشته است که این مقیاسها را معین کنیم برای رفع اشکالاتی است که از نقطه نظر اختلاف اوزان ولایات حاصل می شود و از آن طرف این اوزانی که حالا معین می شود باید طوری باشد که در همه جا مردم بدانند و با اوزان قدیمه درست تطبیق کنند تا اسباب زحمت نشود و بنده از این نقطه نظر بود که پیشنهاد کردم نظامنامه مفصلی در این باب جهت تطبیق تهیه شود.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب بنده خیلی تعجب دارم حضرت والا شاهزاده شیخ الرئیس مقام وضع قانون و مقام عمل دوتا است مافعالا قانون می نویسیم برای این که اصلاحاتی در اوزان و مقادیر مملکت بشود و البته بعد از آنکه قانون گذشت در مقام عمل يك نظامنامه تدوین خواهد شد.

تطابق آن نظامنامه عمل شود

فعلا موقع وضع قانون است و باید اوزان و مقادیر مختلفه ایران را در تحت يك میزان واحدی بیاوریم و پس از این که در تحت میزان واحدی در بیاوریم و از مجلس گذشت معلوم است دولت در مقام عمل نظامنامه تهیه می کند که در تمام نقاط ایران اوزان يك صورت واحد در آید و البته تصدیق می فرمایند که در ظرف يك سال و دو سال هم این قانون در تمام مملکت جریان پیدا نمی کند بلکه بیست سال و بیست و پنج سال وقت لازم است تا در تمام مملکت این قانون جاری شود.

شیخ الرئیس - ایشان کاملا با بنده موافق بودند

نایب رئیس رای می گیریم پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس

آقایانی که مراقتند قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

نایب رئیس - در شد پیش نهاد آقای اخگر (بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیش نهاد می کنم سه سنک یکن و صدمن يك شروا معین شود.

نایب رئیس - آقای دست غیب است و صد درم بیست متقال و کسری است و سنک در این صورت تقریبا دو بیست متقال و کسری است

اگر سه سنک را يك من حساب کنیم معادل خواهد شد با من معمولی و يك قدری رفع اشکال از مردمانی که عادت کرده اند بمن معمولی خواهد شد و در واقع سه سنک مساوی است با سه کیلو گرم و این در همه جا معمول است که سه سنک می شود يك من و صدمن می شود يك خروار و این يك وزنی است که برای اکثر جا ها معین شده و بنظر بنده چنانچه اینطور نوشته شود بهتر است.

نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - آقا گویا فلسفه این قانون را ملتفت شده اند این قانون برای ترتیب اوزان و مقادیر است که روی اعشار باشد شما باز اینجا کسور متعارفی جزئش می کنید ما می خواهیم از این ترتیب خلاص شویم و ترتیب اعشاری شود وقتی که بگوئیم سه سنک کسور متعارفی میشود و این مثل ترتیب قدیم می شود و باز مادچار يك من و يك چارك و چند سیر می شویم و این موضوع برای این است که اعشاری باشد.

نایب رئیس رای می گیریم پیش نهاد آقای اخگر

آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد چون در این ماده يك پیش نهاد قابل توجه شده برمی گردد بکمیسیون ماده دوم مطرح است.

(شرح ذیل قرائت شد) ماده دوم - کلیه اوزان و مقیاسها باید دارای علامت مخصوص دولتی باشد نایب رئیس آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - گویا اشتباهی در پیش نهاد آقای عماد السلطنه شده است چون پیشنهاد شده بود سنجش و بیمایش نوشته شود بیمایش آن معنی را ندارد

بیمایش یعنی بی بودن راه است و اسم مصدر است و فارسی است مقصودش بیمانه کردن است و اینجا اشتباه شده است و اسم مصدرش هم بیمایش نیست و غلط است و نباید يك غلطی راما تصویب کنیم

نایب رئیس - آقای هرمزی (اجازه)

هرمزی - عرضی ندارم. نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه) دست غیب - عرضی ندارم

نایب رئیس - دیگر مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

نایب رئیس - رای می گیریم ماده دوم - آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند) نایب رئیس - ویب شد ماده سه (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم - هر کسی حق دارد اوزان و مقیاس هائی بر طبق این قانون تهیه نماید ولی قبل از آنکه آنها را با عرض فروش در آرد یا برای تجارت و کسب بکاربرد باید آن اوزان و مقیاس هارا با تصدیق دولت رسانیده و علامت رسمی در روی آن نقش شود.

نایب رئیس - آقای هرمزی (اجازه)

هرمزی - عرضی ندارم. نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخرگر - عرضی ندارم. نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب بنده هم عرضی ندارم. نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمدی طهرانی - این جا اوزان و مقادیر اسمش تبدیل شد بکلمه فارسی و حالا که رای گرفته شد با اوزان و مقادیر برای گرفته شد و در این ماده هم همینطور است لهذا بنده تذکره می دهم که لفظ اوزان و مقادیر باید همان بیمایش و سنجش نوشته شود

نایب رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده تصور میکنم در این جا که اصل اسم قانون را سنجش و بیمایش اتخاذ کردیم لازم نیاید که در تمام مواضع این کلمه را عنوان کنیم زیرا ممکن است در بعضی جاها دچار اشکال شود.

ما برای ترویج زبان فارسی و توسعه آن سعی کردیم که اسامی فارسی شود. حالا اگر بخواهیم در تمام این مواد این اسم را داخل کنیم ممکن است دچار اشکالات شویم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم. نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (بشرح ذیل خوانده شد)

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

نایب رئیس - آقای آقا میرزا شهاب مخالفید؟

آقا میرزا شهاب - بلی. نایب رئیس - بفرمایند. آقا میرزا شهاب الدین - بنده در این ماده مخالفم و در ماده قبل هم که رای داده شد مخالف بودم و گمان میکنم يك قدری در عبارت ناتمامی باشد و آن این است که اوزان و مقیاس يك چیزی نیست که وجود خارجی داشته باشد و معنی هم کرده اند سنجش و بیمایش پس نمی تواند يك نفر در خارج اوزان و مقیاس هائی تهیه نماید و اگر ما اجازه بدهیم که اوزان و مقیاس تهیه نماید.

یعنی برخلاف اینکه ما گفته ایم گرم باید مطابق درم چقدر است و با نوزده گرم چقدر باشد آنها میتوانند اوزانی برخلاف آنچه که ما گفته ایم تهیه نمایند.

مثلا ما گفته ایم گرم باید مطابق درم باشد آنها گفتند گرم مطابق سیر باشد مقصود این است که وزنهائی تهیه کنند که اوزان و مقیاس هائی تهیه کنند و گمان میکنم در ماده قبل هم که رای دادیم اوزان و مقیاس دارای علامت مخصوص باشند.

برای اینکه اوزان اسم معنی است و وجود خارجی ندارد که دارای علامت دولتی باشد و همچنین بنده نمیتوانم اسم معنی را در خارج پیدا کنم و از این جهت بنده مخالفم با این ماده.

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - عرضی ندارم. نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم ماحالا وارد شده ایم دولت سازی و داخل شده ایم در فاعل و مفعول و اینها گمان میکنم در موقع وضع قانون مانع نباشد داخل در صیغه سازی شویم.

این يك عبارتی است که در قانون نوشته اند و این کلمه لفظ مصدر است می خواهیم بگوئیم اوزان و مقیاس اگر این لفظ را گفتیم که اگر کسی اوزان و مقیاس ساخت باید علامت دولتی رویش بگذارد چه اشکالی دارد که حالا آقای آقا میرزا شهاب میفرمایند این اسم آلت است و اسم آلت چه باید باشد و چه باشد گمان میکنم در موقع قانون گذاری نباید داخل در این قضایا باشد.

(گفتند مذاکرات کافی است) نایب رئیس - پیش نهاد آقای سلطان العلماء قرائت میشود (مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم در ماده سه تصریح شود که این علامت از طرف دولت مجانی است.

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده چون این لایحه جزو دستور نبود لایحه را ندیده بودم حالا که خوانده شد معلوم شد هم دولت و هم مردم میتوانند این اوزان را معین کنند و در صورتی که مردم معین کردند دولت باید يك علامتی روی آن بگذارد و بنده پیشنهاد کردم که این علامت را که دولت میکند مجانی باشد.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی حسارت میکنم با این پیشنهاد مخالف هستم بقدری ما در این مجلس واقعا مقام خواجه ناشانی پیدا کرده ایم که بهر چیزی که نفع دولت است فوراً پیشنهاد می کنیم مجانی باشد دولت مجانی مملکت را نمی تواند اداره کند.

وزیر فواید عامه - اینکه اینجانوشته شده است دولت برای این است که در مرکز وزارت تجارت متصدی این کار باشد ولی در ولایاتی که این وزارت خانه شعبه نداشته باشد ممکن است بمالیه یا حکومت واگذار کنند.

بنابر این به همین ترتیبی که نوشته شده است بهتر است و مقید نکینم بهتر است و چیزی که در این ماده ناقص است این است که این ماده جزاء ندارد که اگر کسی تخلف کرد جزای او چیست و باید این مسئله معلوم شود و گویا بعضی از آقایان نمایندگان هم پیشنهاد کرده اند که جزا معین شود.

یک نفر از نمایندگان - در ماده پنج جزا معین شده

وزیر فواید عامه - ماده ۵ راجع به مجازات اشخاصی است که بوسیله آلات تقلبی وزن وکیل کنند. بنابر این ماده ۳ هم باید يك جزائی داشته باشد.

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای وکیل الملک قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند) نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای داور (بعضهون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بر ماده سه اضافه شود اوزان و مقیاس هائی که علامت دولتی نداشته باشند ضبط شده و علاوه متخلف به حکم محکمه از سه روز تا يك ماه حبس خواهد شد

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم این مجازات لازم باشد زیرا وقتی که معین وضع قانون میکند باید فکر کند که اگر کسی تخلف کرده چه باید بشود.

چون مامی خواهیم این لایحه اوزان و مقادیر اجراء شود باید این مجازات در این ماده قید شود و بعقیده بنده مجازات زیادی هم نیست.

نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - علمی حال برای مرتکب باید جزا قائل شد که هر کس قبل از آنکه آنها را بعرض فروش در آرد بتصدیق دولت برساند اگر نرساند باید يك مجازاتی برای او قائل شد ولی اگر خواست برای خودش يك کیل یا وزنی درست کند این چه عیب دارد؟ که او را حبس کنند و راجع بدست کردن سنک اگر بخواهیم جزا قائل شویم ممکن است يك نفر برای انبار خودش فواید عامه نیست که مردم اوزان و مقادیری که تهیه می کنند بتصدیق اداره فواید عامه آنجا برسانند.

از این جهت اینطور پیشنهاد کردم. وزیر فواید عامه - اینکه اینجانوشته شده است دولت برای این است که در مرکز وزارت تجارت متصدی این کار باشد ولی در ولایاتی که این وزارت خانه شعبه نداشته باشد ممکن است بمالیه یا حکومت واگذار کنند.

بنابر این به همین ترتیبی که نوشته شده است بهتر است و مقید نکینم بهتر است و چیزی که در این ماده ناقص است این است که این ماده جزاء ندارد که اگر کسی تخلف کرد جزای او چیست و باید این مسئله معلوم شود و گویا بعضی از آقایان نمایندگان هم پیشنهاد کرده اند که جزا معین شود.

یک نفر از نمایندگان - در ماده پنج جزا معین شده

وزیر فواید عامه - ماده ۵ راجع به مجازات اشخاصی است که بوسیله آلات تقلبی وزن وکیل کنند. بنابر این ماده ۳ هم باید يك جزائی داشته باشد.

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای وکیل الملک قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند) نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای داور (بعضهون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بر ماده سه اضافه شود اوزان و مقیاس هائی که علامت دولتی نداشته باشند ضبط شده و علاوه متخلف به حکم محکمه از سه روز تا يك ماه حبس خواهد شد

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم این مجازات لازم باشد زیرا وقتی که معین وضع قانون میکند باید فکر کند که اگر کسی تخلف کرده چه باید بشود.

چون مامی خواهیم این لایحه اوزان و مقادیر اجراء شود باید این مجازات در این ماده قید شود و بعقیده بنده مجازات زیادی هم نیست.

نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - علمی حال برای مرتکب باید جزا قائل شد که هر کس قبل از آنکه آنها را بعرض فروش در آرد بتصدیق دولت برساند اگر نرساند باید يك مجازاتی برای او قائل شد ولی اگر خواست برای خودش يك کیل یا وزنی درست کند این چه عیب دارد؟ که او را حبس کنند و راجع بدست کردن سنک اگر بخواهیم جزا قائل شویم ممکن است يك نفر برای انبار خودش فواید عامه نیست که مردم اوزان و مقادیری که تهیه می کنند بتصدیق اداره فواید عامه آنجا برسانند.

در این صورت نباید برای اوزان و حبس معین کرد. وزیر فواید عامه - بنده این پیشنهاد آقای داور را قبول میکنم برای اینکه خودم عرض کردم ماده سه چون جزا ندارد ناقص است.

اما اعتراضی که شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند راجع بقسمت اول ماده نیست و مثل این است که يك کسی اگر گفت من برای رعایای خودم میخواهم پول قلب تهیه کنم مجازات نداشته باشد ولی این جزا راجع بقسمت ثانی ماده است و ولی قبل از آنکه آنها را بعرض فروش در آرد یا برای کسب و تجارت بکاربرد باید آن اوزان و مقیاسها را بتصدیق دولت برساند و علامت رسمی روی آن نقش شود حالا اگر بتصدیق دولت نرسانند جزایش چیست؟

بنابر این بعقیده بنده باید جزائتی معین شود و آقای داور هم که پیش نهاد کرده اند از سه روز تا سی روز حبس شوند بعقیده بنده لازم است و باید این جزا در اینجا قید شود.

مخبر - بنده قبول میکنم نایب رئیس - پس این پیشنهاد ضمیمه ماده می شو (آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم عرض کنم که بایش نهاد آقای داور در اصل مجازات موافقم لیکن در کمیت و کیفیت مجازات آن بنده حرف دارم و از آقای مخبر تقاضا کردم که این ماده را بر گردانند بکمیسیون.

چون دولت قبول کرد و آقای مخبر هم قبول کردند و در مجلس این رای داده بنابر این تقاضا میکنم که این ماده بر گردد بکمیسیون و کمسیون وارد شود در کمیت و کیفیت این مجازات که در کیفیتش مذاکره شود بعد بجلس پیشنهاد کنند.

مخبر - بالاخره برمی گردد بکمیسیون برای این که در آن وقت بشود ولی مقصود این است که يك مجازاتی در این ماده باشد بنابر این برمی گردد بکمیسیون و در پیش نهاد آقای داور دقت می شود و پس از آنکه این قسمت اضافه شد مجدداً بجلس میآید.

نایب رئیس - دو فقره پیش نهاد دیگر هم رسیده است قرائت میشود و تکلیفش معلوم میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد) پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیش نهاد آقای مساوات بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدی و در محل هائی که بلدی نیست بتصدیق دولت رسانند و علامت رسمی روی آن نقش میشود.

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالواهب بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل ماده ۳ اضافه شود.

تبصره - دولت مکلف است اوزان و مقادیری که تهیه میکنند هر چه تمام باشد بمالیه يك ده يك ببرد بفرموشد.

پیشنهاد شاهزاده معدولی میرزا بنده پیشنهاد می کنم پس از سه سال جزا در باره متخلف اجرا شود و آنهم جزای نقدی باشد.

نایب رئیس - ماده چون برمی گردد به کمیسیون پیش نهاد ها هم می رود به کمیسیون سه فقره پیش نهاد راجع بختم جلسه رسیده است اگر اجازه می دهید جلسه را ختم کنیم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. نایب رئیس - جلسه آتی به روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکره در لایحه اوزان و مقادیر. آقای مرانی (اجازه)

حاج آقا اسماعیل مرانی - بنده چند فقره سؤال کرده ام از دولت و قریب چهار ماه است که برای جواب حاضر نشده است استدعا میکنم بدولت تذکر داده شود که برای جواب سؤال بنده و سایر آقایان (که مخصوصاً از وزیر مالیه سؤال شده است) حاضر شوند که ما هم نزد موکلین خودمان خجل نباشیم.

زیرا هر چه سؤال می کنم دولت ابداً اعتنا نمی کند استدعا میکنم تذکر داده شود که برای جواب سئوالات حاضر نشوند.

نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - در مرتبه دوم خواستم عرض کنم که لایحه پوست بره یعنی الغاء قانون صدور پوست بره جزء دستور شود.

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست می ماند برای جلسه دیگر (مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان بیات منشی - علی اقبال الملک.

منشی - معظم السلطان (جلسه صد و چهاردهم)

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه سی ام برج جدی ۱۳۰۴ مطابق بیست و چهارم جمادی - الثانیه ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن - الملک تشکیل گردید.

(صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و هشتم جدی را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)